

به یاد شادروان علامه دکتر عباس زریاب
که خود خرد جاویدان بود

جاویدان خرد و خردنامه*

احمد تفضلی

مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی در کتابی به نام جاویدان خرد گرد آمده بود که امروز در دست نیست. ابن مسکویه^(۱) (متوفی ۴۲۱) در این باره می‌نویسد که در روزگار جوانی نام آن را در کتابی از جاحظ (۲۵۵-۱۵۰) موسوم به استطالة الفهم دیده و همواره در پی به‌دست آوردن آن بوده است تا سرانجام آن را در فارس در نزد موبدان موبد یافته است. به قول وی آن کتاب «وصیّت هوشنگ به پسرش و پادشاهان بعدی» را در بر داشته است. ابن مسکویه ترجمه عربی آن را در آغاز کتاب خود که آن را از روی کتاب مذکور، جاویدان خرد نامیده، نقل کرده ولی احتمالاً آنچه وی در نزد موبدان موبد فارس دیده، متن پهلوی آن بوده است. پس از نقل «وصیّت هوشنگ» همین نویسنده سرگذشت افسانه‌آمیز کشف اصل پهلوی کتاب را به روایت از جاحظ و او به نقل از واقدی در همان کتاب نامبرده آورده است.^(۲) عین همین مطلب را، بازهم به روایت واقدی، طرطوشی^(۳) (متوفی ۵۲۰) نقل کرده است. بنا بر این روایت، مردی به

*. تحقیقات اسلامی، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۷۴ & شماره ۱ و ۲، صص ۵۰۳-۵۰۸.

نام ذویان^(۴) از حکمای کابل که از وجود این کتاب در میان خزائن ایوان مدائن مطلع بوده از مأمون (۲۱۸-۱۹۸) خواسته است که آن را بدو ببخشد. به دستور خلیفه و به راهنمایی ذویان آن را که صد برگ داشته و در جعبه‌ای زیر خاک مدفون بوده است، بیرون آوردند. ذویان آن را مجموعه‌ای از حکمت باستان وصف می‌کند که «گنجور وزیر شاه ایران شهر»^(۵) از حکمت باستان^(۶) گرد آورده بود.^(۷) به خواهش حسن بن سهل برادر فضل بن سهل ذوالریاستین، خضر بن علی مترجم آثار پهلوی به عربی سی برگ آن را به عربی ترجمه کرد و ظاهراً همین ترجمه را جاحظ در کتاب نامبرده خود نقل کرده بوده است و از اینروست که ارجانی شوشتری^(۸) در ترجمه فارسی خود جاحظ را «جامع جاویدان خرد» دانسته است.

چنین می‌نماید که ابن مسکویه همین ترجمه وصیت هوشنگ را در کتاب خود آورده است، زیرا در پایان آن، سرگذشت کتاب را آورده و به دنبال آن نصایح دیگری را از حکما و شاهان ایران مانند آذرباد^(۹) (ص ۲۶، ۶۷)، بزرگمهر (ص ۲۹، ۳۷، ۴۱، ۴۵)، انوشروان (ص ۴۹)، هرمز (ص ۶۶)، بهمن (ص ۶۱)، جمشید (ص ۶۵)، یا به‌طور کلی از «قدماء فرس» (ص ۶۴) یا وصیة للفرس (ص ۷۴) یا حکیمی ایرانی (ص ۶۷ و ۸۷)، از منابع دیگر، ذکر کرده است که منبع اصلی بعضی از آنها به پهلوی در دست است مانند اندرزه‌های آذرباد،^(۱۰) اندرز بزرگمهر،^(۱۱) پندهای ذکر شده در پندنامه با وصایای هوشنگ از نوع پندهای تجربی و عملی است و نه از نوع پندهای دینی.

ترجمه عربی جاویدان خرد را نویسندگان کتب ادب و اخلاق به‌خوبی می‌شناخته و از آن نقل قول کرده‌اند.

راغب اصفهانی (متوفی میان ۳۹۶ تا ۴۰۱) از این کتاب با عنوان کتاب جاویدان یاد کرده و مطالبی را از آن آورده است.^(۱۲) عامری (متوفی ۳۸۱)^(۱۳) آن را از بهترین کتابهای ایرانیان به شمار آورده و از آن چند جمله‌ای را نقل کرده است.^(۱۴) طرطوشی^(۱۵) نیز دو عبارت از آن را، یکی به نقل از حسن بن سهل و دیگری را به نقل از خضر بن علی آورده و نوشته است که جاویدان خرد از نظر ایرانیان از کتب گرانقدر است. از قول کندی^(۱۶) همه رساله جاویدان خرد در کتاب بیان‌الشرع نقل شده است.

بخشهایی از ترجمه عربی خضر بن علی منقول در استطالة الفهم جاحظ یا منقول در جاویدان خرد ابن مسکویه را مؤلف ناشناخته خردنامه (احتمالاً تألیف شده در قرن پنجم)،^(۱۷) زیر عنوان «نکته‌های کتاب جاویدان خرد» به فارسی برگردانیده است.^(۱۸) این ترجمه، قدیمترین ترجمه فارسی از پندنامه هوشنگ یا جاویدان خرد است. برای نمونه چند جمله از این ترجمه فارسی را که اقدم بر ترجمه قزوینی^(۱۹) و ارجانی^(۲۰) و درویش فانی است^(۲۱) با معادل عربی آنها^(۲۲) برای مقایسه می‌آوریم. این ترجمه به مراتب دقیقتر و به متن عربی نزدیکتر و در مقایسه با ترجمه‌های دیگر فارسی که دارای حشو و زواید است، فصیحتر است. این چند جمله شباهت آنها را با اندرزهای بازمانده از زبان پهلوی به خوبی نشان می‌دهد.

«هرکه آغاز نعمت‌ها بشناسد سپاس داری کند»

(من عرف الابتداء شکر).

«و هرکه عاقبت بشناسد کار به اخلاص کند»

(من عرف الانتهاء أخلص).

«و هر که بداند که توفیر از کرامت خدای است - جلّ و عزّ - با خضوع باشد» (و من عرف التوفیق خضع).

«و بداند که بهترین عطاء ایزد تعالی هر بنده را حکمت است»
(فانّ افضل ما أعطى العبد فى الدنيا الحكمة).

«و بهترین عطاء مردم را از خویشان، پند پذیرفتن و انصاف دادن است» (و افضل ما أعطى فى نفسه الموعظة).

«و بهترین چیزی که بنده از خدای تعالی بخواهد عاقبت است»
(و افضل ما سأل العبد العاقبة).

«و بهترین چیزی که بنده بر زبان براند، گواهی دادن است به وحدانیت عز و جل» (و افضل ما قال كلمة التوحيد).

«و پاکی دل نگاه داشتن است از حسد»
(و سلامة الصدر بامانة الحمد).

یادداشت‌ها:

۱. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد (الحكمة الخالدة)، چاپ عبدالرحمن بدوی، قاهره

۱۹۵۲، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۱۸-۲۲.
۳. طرطوشی، محمدبن الولید، سراج الملوک، قاهره ۱۳۵۴/۱۹۳۵، ص ۳۶۰-۳۶۱.
۴. به نظر می‌رسد این نام که ظاهراً ایرانی است، تصحیف شده باشد.
۵. در متن عربی چاپ بدوی، ص ۲۰: «کنجور وزیر ملک ایرانشهر»، و به همین صورت در طرطوشی، ص ۳۶۱. در عنوان نسخه‌ای که عبدالعزیز المیمنی الراحکوتی الهندی منتشر کرده و محمد کردعلی نیز در رسائل البلغاء، قاهره ۱۳۷۴/۱۹۵۴، ص ۴۶۹ تا ۴۸۲، آن را نقل کرده، «کنجور وزیر ملک ایرانشهر» آمده است. نیز نگاه کنید به محمد محمدی، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، تهران ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۸. در کتاب بیان‌الشرع، تألیف محمد بن ابراهیم الکندی، چاپ احمد بن حمد الخلیلی، عمان ۱۹۸۴/۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۵۶، این نام به صورت «حاور ابن جرد بن سعید یارالملک أبوان شهر» آمده که تصحیف جاویدان خرد [کنجور] بن اسفندیار [وزیر] ملک ایرانشهر است.
۶. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۰، من الحكمة القديمه. در جای دیگر «حکمت قدیمه» آمده است (مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه شرف‌الدین عثمان محمد قزوینی، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۵۹ ش، ص ۲۱). در عنوان نسخه‌ای که کردعلی چاپ کرده است عبارت: «نقله من اللسان القديم الی اللسان الفارسی» آمده است (همان، ص ۴۶۹). اما در بعضی نسخه‌های عربی به جای آن «من اللسان الفهلوی» ذکر شده است. نگاه کنید به چاپ جاویدان خرد، سید محمدکاظم امام، تهران [۱۳۵۰ش]، ص ۳۷. منظور از فارسی، فارسی میانه یا پهلوی است.
۷. در متن عربی جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۰ و همچنین در چاپ کردعلی، ص ۴۷۹، کلمه «أخرجه» و در روایت طرطوشی، ص ۳۶۱، کلمه «تألیف» به کار رفته است. در ترجمه فارسی قزوینی، ص ۲۱، فعل «بیرون آورده» و در ترجمه محمد حسین بن حاجی شمس‌الدین درویش فانی از جاویدان خرد، بمبئی ۱۲۹۴، ص ۲۲، «استخراج کرده» آمده است.
۸. مسکویه، احمد بن محمد، جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد ارجانی شوشتری، چاپ بهروز ثروتیان، تهران ۱۳۵۵ ش، ص ۳۴.
۹. همان آذرباد مهرسپندان است. در این باره نگاه کنید به: دانشنامه ایران و اسلام، «آذرباد مَهْرَسَپندان» (نوشته احمد تفضلی)، تهران ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.
۱۰. جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۲۶ تا ۲۸ و ۶۷.
۱۱. همان، ص ۲۹ تا ۳۶.

۱۲. محاضرات الادباء و مجاورات الشعراء البلغاء، بیروت ۱۹۶۱، ج ۳ و ۴، ص ۷۰۰ و نیز ترجمه فارسی آن با عنوان نوادر، ترجمه محمد صالح قزوینی، چاپ احمد مجاهد، تهران ۱۳۷۱ ش، ص ۴۲۳، این مطالب برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدران، ص ۹ سطر ۱۲ تا ۱۸ آمده است.
۱۳. عامری، محمد بن یوسف السعادی والاسعاد، چاپ مجتبی مینوی، تهران ۱۳۳۶ ش، ص ۳۲۰.
۱۴. همان، ص ۲۹۶ (که برابر است با جاویدان خرد، چاپ بدران، ص ۹ سطر ۸)، ص ۳۲۱ (قیاس کنید با جاویدان خرد، ص ۹ سطر ۳) و ۴۲۲ (برابر با جاویدان خرد، ص ۹ سطر ۹) چاپ بدوی.
۱۵. طرطوشی، ص ۳۵۸. این عبارات همان عبارات منقول در السعادی والاسعاد است و برابر است با آنچه در جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۹ س ۴ و ۸ آمده است.
۱۶. کندی، ج ۵، ص ۱۵۶-۱۶۵.
۱۷. درباره خردنامه نگاه کنید به: مجتبی مینوی، «از خزائن ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۴، ش ۲، ۱۳۳۵ ش، ص ۵۸-۷۰. متن خردنامه در تهران ۱۳۶۷ ش، چاپ منصور ثروت، منتشر شده است. این در مجموعه‌ای آمده است که در سال ۵۷۴ کتابت شده است. به تشخیص مینوی، ص ۵۸، «غالب فقرات و فصول آن تعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری دارد».
۱۸. خردنامه، ص ۷۸ تا ۸۰.
۱۹. تألیف شده میان ۶۲۵-۶۵۸. نگاه کنید به: جاویدان خرد، ترجمه محمد قزوینی، ص ۳ به بعد.
۲۰. جاویدان خرد، ترجمه شوشتری، ص ۷ به بعد.
۲۱. همان، ص ۲۵ به بعد.
۲۲. جاویدان خرد، چاپ بدوی، ص ۶ به بعد.